

بررسی فقهی نگاه به نامحرم به قصد ازدواج و حکمت آن

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۷/۱۴ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۸/۳

طاهر علی محمدی^۱، سعیده رضایی^۲

چکیده

مسئله نگاه به نامحرم به قصد ازدواج، از موضوع حرمت نگاه به نامحرم استثنای شده است. با توجه به اهمیت مقدمی نگاه در تشکیل خانواده، هدف از انجام این تحقیق بررسی حدود شرعی نگاه به نامحرم به قصد ازدواج، حکمت آن و موارد ابهام این موضوع است. همچنین به این سؤالات پاسخ داده شده است که حدود نگاه مجاز، چقدر است؟ آیا جواز نگاه مشروط به این است که خواستگار، تحقیقات مقدماتی را انجام داده و دختر را از نظر سایر ابعاد پسندیده باشد، یا اینکه شرعاً می‌تواند پیش از انجام تحقیقات به او نگاه کند؟ آیا در صورت داشتن قصد ازدواج، اجازه نگاه به زنان متعدد جهت انتخاب گزینه دلخواه را دارد؟ و دیگر آنکه، حکمت جواز نگاه به نامحرم به قصد نکاح چیست؟ در این پژوهش که به روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است، این نتیجه حاصل شد که خواستگار بعد از انتخاب دختر از سایر ابعاد، به قصد ازدواج، مجاز به نگاه به وجه و کفین، مو و محاسن و حتی اندام وی از روی لباس است و مطلق قصد ازدواج، کافی در جواز نگاه به زنان متعدد نخواهد بود و حکمت جواز نگاه، جلوگیری از اضرار به مرد در پرداخت مهریه توسط او و اقدام به ازدواج دو طرف از روی آگاهی کافی در راستای تشکیل خانواده‌های استوار بر پایه علاقه و محبت است.

واژگان کلیدی: نگاه، نامحرم، قصد ازدواج، حکمت، مهریه.

۱. دانشیار فقه و مبانی حقوق اسلامی، عضو هیات علمی دانشگاه ایلام، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: tahghighat@chmail.ir

۲. کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه ایلام، ایران.

Email: Saedeh.rezai@yahoo.com

حرمت نگاه مرد و زن نامحرم به هم، با قصد لذت جویی، از مسلمات فقهی است و بدون قصد لذت نیز غیر از صورت و دست‌ها تا مچ، نهی شده است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَرْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ. وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَا يَضْرِبْنَ بِجُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ.... (نور: ۳۱-۳۰)

به مؤمنان بگو چشم‌های خود را (از نگاه به نامحرم) فروگیرند و عفاف خود را حفظ کنند. این برای آنان پاکیزه‌تر است. خداوند از آنچه انجام می‌دهید، آگاه است. و به زنان باایمان بگو چشم‌های خود را (از نگاه هوس‌آلود) فروگیرند و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را جز آن مقدار که نمایان است آشکار ننمایند و (اطراف) روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود).

شارع مقدس، بنا بر دلایل و مصالحی، نگاه مرد به زنی که قصد ازدواج با وی را دارد، جایز شمرده و این حکم در بسیاری از کتاب‌های فقهی شیعه و اهل سنت آمده و مسلم و محل وفاق است (طوسی، ۱۴۰۷ ه.ق. ۲/۲۴۸) و برخی از فقهای بزرگ شیعه به غیر اختلافی بودن اصل مسأله تأکید و تصریح کرده‌اند (عاملی، ۱۴۱۳ ه.ق. ۴۰/۷).

پس می‌توان گفت در جواز نظر مرد به زنی که قصد ازدواج با وی را دارد، تردیدی نیست، ولی در حدود و شرایط این حکم، بین فقها اختلاف نظر وجود دارد. در این باره، سه نظریه وجود دارد: برخی از فقها محدوده جواز نگاه را منحصر به وجه و کفین دانسته‌اند؛ بسیاری از فقها معتقدند افزون بر وجه و کفین، نظر به مو و سایر محاسن زن نیز جایز است؛ گروهی دیگر نیز نظر به تمام بدن زن را بدون ساترو پوشش جایز می‌دانند.

مهم‌ترین پرسش‌هایی که این مقاله در پی پاسخ‌گویی به آنها است، این است که حدود نگاه مجاز چقدر است و دیگر آنکه آیا مرد بعد از تصمیم قطعی بر ازدواج با زن مورد نظر و انجام تحقیقات مقدماتی در مورد او مجاز است به او نگاه کند، یا اینکه پیش از انجام تحقیقات اولیه و قطعی شدن تصمیمش بر ازدواج با او نیز مجاز به نگاه خواهد بود؟ البته پیش از پاسخ به این پرسش‌ها، با بیان مبنای جواز نگاه به نامحرم به قصد ازدواج، به بیان حکمت این حکم خواهیم پرداخت.

۲. مبنای جواز نگاه به نامحرم به قصد ازدواج

از دیدگاه فقها، نگاه مرد به بدن زن بیگانه‌ای که قصد ازدواج با او را ندارد، غیر از وجه و کفین حرام است (خواه با ریبه و لذت جویی باشد یا نباشد). نگاه به وجه و کفین نیز از روی تلذذ و ریبه، به طور اجمال حرام است (حلی، ۱۳۸۷ هـ.ق، ۶/۳؛ موسوی خمینی، بی تا، ۲/۲۴۳). در نگاه به وجه و کفین بدون ریبه و تلذذ، اقوالی وجود دارد. برخی از فقها به طور مطلق قایل به جواز شده‌اند، عده‌ای به طور مطلق معتقد به عدم جوازند و گروهی نیز قایل به تفصیل شده، حکم به جواز یک باره آن کرده، تکرار آن را حرام شمرده‌اند (موسوی خمینی، بی تا، ۲/۲۴۳). علامه حلی در کتاب تحریر (۱۴۲۰ هـ.ق، ۳/۴۱۹) و عاملی (۱۴۱۰ هـ.ق، ۱۷۴) جزو دسته سوم‌اند و جز مواقع ضروری، تکرار نگاه را جایز ندانسته‌اند. موسوی خمینی (بی تا، ۲/۲۴۳) نیز قول به عدم جواز نگاه دوم (به بعد) را احوط دانسته است.

همان‌گونه که فقهای امامیه برای اصل حرمت نگاه به نامحرم به آیات و روایاتی استناد نموده‌اند، روایاتی نیز وجود دارد که فقها بر مبنای آنها حکم به جواز نگاه به نامحرم به قصد تزویج کرده‌اند. با توجه به برخی از تعبیرات روایی، می‌توان گفت که نگاه به قصد ازدواج نه فقط فاقد اشکال است، بلکه استحباب آن از روایات استنباط می‌گردد؛ زیرا در برخی از روایات، امر به نگاه شده و صیغه امر اگر دلالت بر وجوب نکند، حداقل بر استحباب دلالت دارد. (رک: موسوی خمینی، بی تا، ۲/۲۴۳)

از جمله روایاتی که می‌توان برای مشروعیت و استحباب چنین نگاهی به آن استناد کرد، روایتی از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است که در آن به مغیره بن شعبه که از زنی خواستگاری کرده بود، فرمود: «لَوْ نَظَرْتَ إِلَيْهَا فَإِنَّهُ أُخْرَى أَنْ يُودَمَ بَيْنَهُمَا؛ اگر به او نگاه کنی، مودت و صمیمیت بین شما بیشتر می‌شود» (حرعاملی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۲۰/۹۰). در روایتی از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام نقل شده است: «إِنَّمَا الْمَرْأَةُ قِلَادَةٌ فَانْظُرْ إِلَيَّ مَا تَقْلِدُهُ...؛ به درستی که زن، گردنبنده است. پس بین چه گردنبنده‌ی به گردن می‌اندازی!» (حرعاملی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۲۰/۴۷). همچنین امام محمد باقر عَلَيْهِ السَّلَام در پاسخ به این پرسش که آیا جایز است خواستگار، به زنی که قصد ازدواج با او را دارد، نگاه کند، فرمود: «نعم انما یشتیرها بأعلى الثمن؛ بله! به درستی که مرد، او را با بهای گزافی به همسری برمی‌گزیند» (حرعاملی،

افزون بردلالت روایات، می‌توان به حکم عقل نیز برای اثبات جواز چنین نگاهی استدلال کرد؛ زیرا وقتی عقل در معاملات برای جلوگیری از غرر و ضرر کم‌اهمیت‌تر، بررسی و دیدن شیء مورد معامله را لازم می‌داند، روشن است که در امر مهم ازدواج که احتمال ضرر و غرر ناشی از جهالت در آن بیشتر وجود دارد، به ضرورت نگاه مرد به زن مورد نظر حکم خواهد کرد. بر همین اساس، مشهور فقهای شیعه، با وجود اختلاف در حدود و شرایط نگاه به زن به قصد ازدواج، آن را جایز می‌دانند. جواز چنین نگاهی، مشهور بین همه علمای عامه نیز هست. (حلی، ۱۳۸۸، ۵۷۲)

محقق کرکی نیز این مسأله را در بین علمای اسلام، بدون مخالف دانسته است (کرکی، ۱۴۱۴هـ.ق، ۲۷/۱۲) بالاتر از آن، برخی از فقها نگاه خواستگار را مستحب دانسته‌اند. شهید ثانی از فقهای است که بر استحباب این نگاه فتوا داده است. وی می‌گوید: «نگاه به صورت زنی که قصد ازدواج با او را دارد، جایز است، هر چند از او اجازه نگیرد. بلکه نگاه برای او مستحب است تا جهالت از او دفع شود». (جبعی عاملی، ۱۴۱۲هـ.ق، ۶۷/۲)

امام خمینی علیه السلام در تحریر الوسیله نوشته است: «از چیزهایی که سزاوار است انسان به آن اهتمام ورزد، این است که در صفات (جمال و کمال) کسی که می‌خواهد با او ازدواج کند، نظربیندازد». (موسوی خمینی، بی تا، ۲۳۷/۲) پس بنا به روایات، به حکم عقل و اجماع فقها، اصل مسأله نگاه به نامحرم به قصد ازدواج جایز است و دلیلی بر عدم جواز آن وجود ندارد.

۳. حکمت جواز نگاه

حکمت جواز این نگاه آن است که انتخاب همسر با اطمینان بیشتری صورت پذیرد و زوجین با آگاهی و اطلاع کافی، همسر خود را برگزینند و خانوادگی مطلوب، استوار و بادوام شکل بگیرد. البته این بدان معنا نیست که زیبایی ظاهری، یگانه ملاک انتخاب همسر است، بلکه معیارهای دیگری از جمله اصالت خانوادگی و دینداری نیز وجود دارد که در سخنان ائمه علیهم السلام به آنها تأکید شده است.

مطابق روایتی که بیشتر ذکر شد و در آن، پیامبر صلی الله علیه و آله به مغیره بن شعبه فرمود: «اگر به او نگاه کنی مودت و صمیمیت بینتان ایجاد می‌شود»، می‌توان گفت که حکمت جواز و

استحباب نگاه، ایجاد علاقه و محبت و دوام آن است که به طور طبیعی باعث استحکام بیشتر نهاد خانواده خواهد شد. چنان که دیده می‌شود، برخی از طلاق‌ها ناشی از بی‌دقتی در ویژگی‌های ظاهری فرد مقابل و همچنین خواستگاری‌های ناآگاهانه است که پیامد آن، بی‌تفاهمی، بی‌علاقگی و در نتیجه بروز اختلاف خواهد بود.

البته برخی از فقها، نگاه به قصد ازدواج را با این استدلال جایز می‌دانند که چون مرد، به همسر خود مهریه پرداخت می‌کند، به ازای آن، از حق نگاه کردن به زن قبل از ازدواج برخوردار است تا با غرر مواجه نشود. این تحلیل، ناشی از برداشتی است که از روایت امام محمد باقر علیه السلام شده است: «إِنَّمَا يَشْتَرِيهَا بِأَعْلَى الثَّمَنِ؛ زیرا مرد به بیشترین بها خریدار اوست» (حرعاملی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۲۰ / ۸۸ و ۸۹).

شیخ انصاری درباره این روایت چنین می‌گوید:

مقصود آن است که چون ازدواج با مهریه‌ای نه چندان اندک انجام می‌شود، بدین سبب نگاه کردن مرد به‌گونه‌ای که عمده غرر از بین برود، جایز است. این غرر از جهت بی‌اطلاعی از زیبایی رخ می‌دهد. (انصاری، ۱۴۱۵ هـ.ق، ۴۰)

آیت‌الله خوبی می‌گوید:

امکان نگاه کردن مرد بدان سبب است که مبدا مال او ضایع شود؛ زیرا اگر مرد بدون نگاه کردن، ازدواج کند و پس از آن همسر خود را نپسندد، راه فسخ عقد نکاح به رویش بسته است و اگر بخواهد طلاق دهد، به ناچار باید نصف مهر را قبل از زناشویی بپردازد. (خویی، ۱۴۱۵ هـ.ق، ۱۵ / ۳۲)

صاحب جواهر نیز با تکیه بر روایات و با دیدی گسترده‌تر در این باره می‌گوید:

جواز نگاه کردن به طوری که دفع غرر شود، به خاطر این است که از یک طرف، به بالاترین قیمت، خریدار اوست و مالش را در اختیار او می‌گذارد و از طرف دیگر، خواهان زندگی صمیمی و دایمی است. (نجفی، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۲۹ / ۶۶)

دیدگاه آن دسته از فقها که پرداخت مهریه سنگین را یگانه عامل جواز نگاه به زن برای ازدواج به حساب آورده‌اند و بر مبنای نفی غرر در معامله و مبادله، نسبت به آن اظهار نظر کرده‌اند، کامل نیست؛ هرچند می‌تواند یکی از عوامل در کنار سایر عوامل باشد؛ زیرا چه بسا کسانی که دغدغه‌ای برای مهریه سنگین ندارند، ولی از این حق در هنگام ازدواج برخوردارند

که بتوانند همسر آینده خود را ببینند و انتخاب کنند. البته نمی‌توان این واقعیت را نادیده گرفت که جمال و زیبایی در میزان مهریه تأثیرگذار است. با این حال، تفسیر جمله «انما یشتريها بأغلی الثمن» که در چند روایت هم آمده، به «خریدار بودن مرد به بالاترین قیمت»، نیاز به دقت و تأملی دارد و تفسیر آن به انحصار حکمت جواز نگاه به پرداخت مهریه، اطمینان بخش و کامل نیست؛ زیرا در فقه اسلامی، مهریه، قیمت و بها نیست بلکه هدیه‌ای است که در ازدواج از طرف شوهر به زن داده می‌شود. از این رو، از نظر فقها، زوج و زوجه دو رکن ازدواج‌اند و مهریه، عوض و ثمن «بضع» نیست. (ر.ک: جعی عاملی، ۱۴۱۲ ه.ق، ۷۲/۲-۷۳)

قرآن کریم از مهریه به «نحله» تعبیر می‌کند و نحله، همان‌گونه که در تفاسیر آمده، عطیه‌ای مجانی و بدون پرداخت ثمن است. (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷ ه.ق، ۱۶۹/۴) البته این بدان معنا نیست که مهریه هیچ نقشی در شکل‌گیری ازدواج ندارد و ملحوظ نظر شارع در مقام حافظ حقوق زوجین و ارشاد در جلوگیری از ضررهای احتمالی آنها واقع نگردد. بلکه مراد آن است که نباید یگانه عامل دخیل در امر ازدواج و حکمت جواز نگاه باشد. به عبارت دیگر، این برداشت انحصاری مادی از روایت، کامل نیست بلکه افزون بر جنبه مادی و اقتصادی، ابعاد دیگر نیز در حکمت جواز نگاه دخیل است و در تفسیر «انما یشتريها بأغلی الثمن» باید در نظر گرفته شود.

خداوند طبیعت مرد را مظهر طلب، عشق و تقاضا آفریده است و زن را مظهر مطلوب بودن و معشوق بودن قرار داده است (مطهری، ۱۳۷۸). در واقع مرد، وجود و هستی خود را در خدمت زن و همراه او قرار می‌دهد که بی‌شک در سعادت و شقاوت او می‌تواند بسیار تأثیرگذار باشد. بنابراین، هم زندگی دنیوی و هم اخروی خود را با او معامله می‌کند و این کار، معامله سنگینی است، هرچند مهریه اندک باشد.

مطابق نظر همه فقها، همان‌گونه که مرد مجاز به نگاه است، زن هم مجاز خواهد بود و اگر مراد از ثمن گران بها، فقط مهریه باشد، در آن صورت روایت، فقط به جواز نگاه از طرف مرد اشاره دارد و جواز نگاه زن به مرد خواستگار و شریک آینده از آن فهمیده نمی‌شود. اگر حکمت جواز نگاه مرد به زن، پرداخت مهریه سنگین است، حکمت جواز نگاه زن به مرد خواستگار چیست؟ با معنایی که برای «ثمن اغلی» بیان شد، حکمت جواز نگاه برای دو

طرف روشن می‌شود و روایت، حکمت و فلسفه جواز نگاه برای زن و مرد را بیان می‌کند؛ چراکه زن نیز با شریک کردن مرد در زندگی خود و هزینه کردن عمر خود برای مرد، ثمن گرانبهایی می‌پردازد.

اینکه در لسان روایات، به مردان خطاب شده، به آن دلیل است که مطابق فطرت و طبیعت، مردان، طالب و زنان، مطلوب‌اند. از این رو، کسی که ابتدا نیازمند نگاه به طرف مقابل است و باید حدود شرعی این نگاه برای او روشن شود، مرد است، هر چند زن نیز مشمول آن خواهد بود. نکته دیگر آنکه، گرچه در نگاه نوع مردان، بیشتر از زنان احتمال ریبه وجود دارد، زن نیز خالی از این احتمال نیست و نمی‌توان او را از این حکم مستثنا کرد و روایت را مختص به مردان دانست.

اگرچه پرداخت مهریه نیز می‌تواند دخیل در حکم جواز نگاه برای مردان باشد، حکمت جواز نظر برای ازدواج، گویای آن است که علت آن نیز عام است و فقط مربوط به مهریه سنگین نیست. بنابراین، شاید انحصار حکمت جواز نگاه به امور دیگری غیر از مهریه نیز تفسیر کامل کلام معصوم علیه السلام نباشد و به همین سبب تفسیر شهید مطهری از جمله «بیشترها بأغلی الثمن» اتقان کافی ندارد و باید معنای این جمله را به مهریه و غیر آن تعمیم داد:

یعنی آنچه انسان در زندگی زناشویی مایه می‌گذارد از هر چیز گرانبهاتر است. واضح است که مراد مهریه نیست؛ زیرا ارزش پولی مهریه گرانبهاترین قیمت نیست، بلکه مقصود این است که می‌خواهد با او زندگی کند و عمر خویش را با او به سر برد.
(مطهری، ۱۳۸۶، ۱۹۸)

بنابراین، به طور کلی می‌توان گفت شارع مقدس بنا به مصالحی از جمله جلوگیری از ضرر مرد در پرداخت مهریه، تأثیر ازدواج در آینده مرد و زن و ارتباط آن با سعادت و یا شقاوت دنیوی و اخروی آنها، جلوگیری از اختلاف، ایجاد کانون مودت و محبت برای تربیت فرزندان سالم و مؤمن و نیز رشد و تکامل زن و مرد، حکم به جواز و یا بالاتر از آن به استحباب نگاه به نامحرم به قصد ازدواج داده است تا پیوند زناشویی بر اساس آگاهی و شناخت دو طرف از ویژگی‌های یکدیگر شکل گیرد.

۴. حدود جواز نگاه به قصد ازدواج

بیشتر فقهای امامیه معتقدند نگاه مرد به زنی که قصد ازدواج با او را دارد، جایز است، ولی آنان در مواضع و حدود این حکم با هم اختلاف نظر دارند. روایات فراوانی وجود دارد که این حکم از آنها استنباط می‌شود و در ظاهر آنها نیز اختلافاتی در این زمینه به چشم می‌خورد. همه فقها در جواز نگاه به وجه و کفین طرف مقابل به قصد ازدواج متفق‌اند، ولی در اکتفای برآن یا تعدی از آن اختلاف دارند که به طور کلی سه نظریه مطرح می‌شود.

۴-۱. نظریه اول

برخی از فقها محدوده جواز نگاه را منحصر به وجه و کفین دانسته‌اند. البته این نظریه در بین فقهای متأخر طرفدار کمتری دارد. شیخ طوسی بر جواز نگاه به صورت و دستان مخطوبه، ادعای اجماع کرده و به روایت «إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ أَنْ يَتَزَوَّجَ امْرَأَةً فَلْيَنْظُرْ إِلَى وَجْهِهَا وَكَفْيِهَا؛ هرگاه یکی از شما خواست با زنی ازدواج کند، به صورت و دستان او تا می‌چنگ نگاه کند» (طوسی، ۱۴۰۷هـ.ق، ۲۴۸/۴) استدلال کرده است. در جایی دیگر نیز با ذکر جواز نظر به محاسن و وجه و کفین را تفسیر آن دانسته‌اند. (طوسی، ۱۴۰۰هـ.ق، ۴۸۴) محقق حلی جواز نظر را فقط به همین دو مورد اختصاص می‌دهد. (حلی، ۱۴۰۸هـ.ق، ۲۱۲/۲) فخرالمحققین با تمسک به اطلاق آن قسمت از آیه ۳۰، سوره نور که می‌فرماید «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّونَ مِنْ أَبْصَارِهِمْ...»، نظر به غیر وجه و کفین مخطوبه را جایز نمی‌داند. (حلی، ۱۳۸۷، ۵/۳-۶)

شهید ثانی نیز نگاه به آنچه که مورد اتفاق فقها است وجه و کفین را جایز می‌داند: «زیرا با نگاه کردن به وجه و کفین، مقصود حاصل می‌شود و نگاه به سایر اندام زن، تحت عموم حرمت باقی می‌ماند». (جبعی عاملی، ۱۴۱۳هـ.ق، ۴۱/۷) محقق کرکی نیز در جامع المقاصد نظری مانند ایشان دارد. (کرکی، ۱۴۱۴هـ.ق، ۲۶/۱۲) شیخ انصاری می‌گوید: «نگاه چنانچه موجب دفع معظم غرر شود، جایز است و آن هم با نظر به وجه و کفین به عنوان نشان و نماد زیبایی زن و کیفیت رنگ پوست بدن او حاصل می‌شود». (انصاری، ۱۴۱۵هـ.ق، ۴۰)

۴-۱-۱. ارزیابی نظریه اول

ادعای اجماع شیخ طوسی پذیرفته نیست؛ زیرا مطابق نظر صاحب ریاض، وجود اختلاف

میان فقها برای رد این ادعا کافی است. صاحب ریاض، نظریه اول را به این دلیل که دیگر تفاوتی میان نگاه به اجنبیه و نگاه به مخطوبه نخواهد بود، موجب منتفی شدن اصل مسأله و بی فایده شدن اخبار متعددی که مبنی بر جواز نگاه به غیر وجه و کفین زنی که قصد ازدواج با او را دارد، می داند. (طباطبایی، ۱۴۱۸ هـ.ق، ۱۱/۴۱)

هرچند این نظریه مورد قبول نیست، ولی اشکال هم بر آن وارد نیست؛ زیرا همان گونه که شهید ثانی بیان کرد، اول اینکه، جواز نگاه زن بیگانه محل اختلاف است، در حالی که در اینجا اختلافی وجود ندارد. دوم اینکه جواز نگاه به اجنبیه مشروط به خوف نداشتن از وقوع در گناه است و در موضوع مورد بحث، چنین شرطی وجود ندارد؛ چون به قصد ازدواج نگاه می کند. سوم اینکه، از دیدگاه برخی فقها نگاه به نامحرم به طور مطلق جایز نیست و به اعتقاد بسیاری دیگر از فقها، فقط نگاه اول به اجنبیه جایز است، در حالی که در نگاه به قصد ازدواج این محدودیت وجود ندارد و تکرار نگاه و دقت در آن جایز خواهد بود و چهارم اینکه نگاه به زن بیگانه که از نگاه جماعتی از فقها در نخستین بار و بدون قصد ریبه جایز شمرده شده، مکروه است، در حالی که در اینجا، اگر گفته نشود مستحب است، کراهتی در آن وجود ندارد. (جبعی عاملی، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۷/۴۲)

به نظر می رسد تمسک فخر المحققین به عموم و اطلاق آیه ۳۰ سوره نور نیز برای اثبات عدم جواز نگاه به غیر وجه و کفین نادرست است و شامل مسأله مورد بررسی نمی باشد؛ زیرا اول آنکه بنا به نظریه جواز تقید کتاب به وسیله اخبار، اطلاق این آیه توسط روایات صحیحه، مقید به نگاه به اجنبیه بدون قصد ازدواج می شود. دیگر اینکه شارع مقدس، بین نگاه به اجنبیه به قصد ازدواج با توجه به اهمیت و شرایطی که دارد، با نگاه بدون این منظور تفاوت گذاشته است.

در پاسخ کسانی هم که می گویند با نظر به وجه و کفین، مقصود از نظر و دفع غرر حاصل می شود، باید گفت که مطلوب بسیاری از مردم برای انتخاب همسر، فقط با دیدن صورت و دست تامچ حاصل نمی شود، بلکه دیدن مواضعی مو و محاسن نیز برای تصمیم گیری در ازدواج نقش دارد؛ زیرا زیبایی یا نازیبایی زن منحصر به وجه و کفین نیست و برای همه یا غالب مردان، زیبایی همه بدن زن مهم است. شاید به همین دلیل است که از نظر فقهی،

تمام بدن زن غیر از وجه و کفین، عورت به شمار می‌آید. (ر.ک: جعی عاملی، ۱۴۱۲ ه.ق، ۳۵۶/۲؛ سیوری حلی، ۱۴۲۵ ه.ق، ۹۳/۱؛ نجفی، ۱۴۰۴ ه.ق، ۷۷/۲۹). از این رو، خانم‌ها با علم به این قضیه به زیبایی مو، تزئین محاسن و تناسب اندام و زیبایی آن بسیار توجه دارند و گاه هزینه‌های زیادی برای این کار متحمل می‌شوند. تبلیغات بی‌حد و حصری که در رسانه‌ها، مجلات و... انجام می‌شود، شاهد دیگری بر این امر است. بنابراین، هر چند ممکن است دفع غرر برای برخی افراد با نظر به وجه و کفین حاصل شود، عمومیت ندارد و در بسیاری موارد، افزون بر وجه و کفین، باید غیر آنها نیز دیده شوند تا دفع غرر احتمالی حاصل گردد. از این رو، ندیدن مو، محاسن و نیز کلیت اندام زن از روی لباس، ملازم با غرر نوعی است. بر این اساس، صاحب جواهر، دیدن وجه و کفین را در دفع غرر کافی ندانسته است. (نجفی، ۱۴۰۴ ه.ق، ۶۶/۲۹)

شاید این نظریه اکتفای نظر به وجه و کفین برای عمل به احتیاط باشد. در این صورت باید گفت وقتی عموم و اطلاق روایات (ر.ک: حر عاملی، ۱۴۰۹ ه.ق، ۸۷/۲۰۰-۹۰) بر لزوم اطلاع کامل تر مرد از خصوصیات زن مورد نظر و نیز مشروعیت نگاه به غیر وجه و کفین مو و سایر محاسن دلالت دارند، دیگر به اصل احتیاط عمل نمی‌شود، مگر اینکه در ادله تردیدی جدی وجود داشته باشد.

۲-۴. نظریه دوم

بسیاری از فقها معتقدند افزون بر وجه و کفین، نظر به مو و سایر محاسن زن جایز است. محقق کرکی (۱۴۱۴ ه.ق، ۲۹/۱۲) می‌گوید: «آنچه که غالباً دیدن آن با دیدن مو ملازم است، مانند گوش‌ها و گردن، جایز است؛ زیرا اباحه نظریه موی سر، اباحه نظریه لوازم آن نیز می‌باشد». صاحب ریاض با اینکه روایات دال بر جواز نظریه مو و محاسن را ضعیف شمرده، این نظریه را به دلیل اباحه و عدم دلیل بر منع برگزیده است و آن را به کلینی، طوسی و صدوق، ابن عقیل و ابن جنید نسبت داده است. (طباطبایی، ۱۴۱۸ ه.ق، ۴۰/۱۱-۴۱)

برخی از طرفداران این نظریه گوش‌ها، گردن، گلو و ساق پا را جزو محاسن دانسته، نظر به آنها را بدون پوشش جایز می‌دانند. آیت‌الله خوبی با تمسک به برخی روایات، جواز نظر به وجه و کفین و مو و محاسن زن را بدون اشکال می‌داند و معتقد است منظور از محاسن چیزی است که زیبایی‌های زن در آن ظاهر می‌شود و ساق پا و معصم (محل بستن دستبند

و بخشی از مچ تا نزدیک آرنج) را نیز جزو محاسن می‌داند. (خوبی، ۱۴۱۵، ۳۲/۱۱ و ۱۴)

بهجت، سیستانی، مکارم و تبریزی نیز نگاه به مو و محاسن را جایز دانسته‌اند. آیت‌الله بهجت می‌گوید: «بنا بر اظهار، نگاه کردن به مو و محاسن زن، البته با شرایطی جایز است». (جمعی از مراجع، ۱۳۸۶، ۲/۴۹۲) معتقدان به این نظریه، به روایاتی که بر جواز نظر مرد به زنی که قصد ازدواج با او را دارد، استدلال کرده‌اند که از جمله آنها موارد ذیل است:

۱. عبدالله بن سنان می‌گوید:

از امام صادق علیه السلام پرسیدم: «آیا شخصی که قصد ازدواج با زنی دارد می‌تواند به موی او نگاه کند؟» امام فرمود: «نعم إِمَّا يُرِيدُ أَنْ يَشْتَرِيَهَا بِأَعْلَى الثَّمَنِ؛ آری! زیرا به گرانبهارترین قیمت خریدار اوست». (حرعاملی، ۱۴۰۹، هـ.ق. ۲۰/۸۹)

۲. در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «لَا بَأْسَ بِأَنْ يَنْظُرَ إِلَى وَجْهِهَا وَمَعَاصِمِهَا إِذَا أَرَادَ أَنْ يَتَزَوَّجَهَا؛ مانعی ندارد که مرد به صورت و معصم زنی که می‌خواهد با او ازدواج نماید، نگاه کند». (کلینی، ۱۳۶۵، ۵/۳۶۵)

۳. از امام علی علیه السلام نیز در مورد نگاه مرد خواستگار به محاسن زن نقل شده است: «لَا بَأْسَ إِمَّا هُوَ مُسْتَأْمَرٌ فَإِنْ يُقْضَىٰ أَمْرُكِ؛ مانعی ندارد. همانا او خریدار است، اگر کاری مقدر باشد، خواهد شد». (حرعاملی، ۱۴۰۹، هـ.ق. ۲۰/۸۹) از امام صادق علیه السلام نیز شبیه به این روایت نقل شده است:

لَا بَأْسَ أَنْ يَنْظُرَ الرَّجُلُ إِلَىٰ مُحَاسِنِ الْمَرْأَةِ قَبْلَ أَنْ يَتَزَوَّجَهَا فَإِمَّا هُوَ مُسْتَأْمَرٌ، فَإِنْ يُقْضَىٰ أَمْرُكِ.

اشکالی ندارد که مرد به محاسن زن نگاه کند پیش از آنکه با او ازدواج نماید؛ زیرا او خریدار است، اگر کاری مقدر باشد، انجام می‌شود. (حرعاملی، ۱۴۰۹، هـ.ق. ۲۰/۹۰)

برخی از فقها معتقدند که گاهی مقصود از محاسن، فقط مواضع زینت نیست. بلکه منظور از آن تمام بدن زن غیر از عورت است. (نجفی، ۱۴۰۴، هـ.ق. ۲۹/۶۶-۶۷) این برداشت درست نیست؛ زیرا محاسن در لغت به معنای مواضع زیبا از بدن است (ابن منظور، ۱۴۱۴، هـ.ق. ۱۳/۱۱۷؛ طریحی، ۱۴۱۶، هـ.ق. ۶/۲۳۵) و شامل همه بدن نمی‌شود. برخی نیز منظور از محاسن را فقط وجه و کفین می‌دانند (حلی، ۱۳۸۷، ۲/۶) که این هم برخلاف معنای لغوی محاسن است.

۴. حسن بن سری می‌گوید از امام صادق علیه السلام پرسیدم آیا مردی که قصد ازدواج با زنی دارد، می‌تواند در او نظر نماید و به پشت سر و صورتش نگاه کند؟ فرمود: «نعم لَا بَأْسَ أَنْ يَنْظُرَ

الرَّجُلُ إِلَى الْمَرْأَةِ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَتَزَوَّجَهَا يَنْظُرُ إِلَى خَلْفِهَا وَإِلَى وَجْهِهَا؛ أَرَى! مانعی ندارد که مرد به زن نگاه کند. هرگاه خواست ازدواج نماید، به اندام و صورتش نگاه کند» (کلینی، ۱۳۶۵/۵، ۳۶۵). صاحب جواهر احتمال داده است در اینجا که وجه در مقابل «خلف» به کار رفته، بر جواز نظر به تمام اندام زن دلالت داشته باشد (نجفی، ۱۴۰۴ هـ.ق. ۶۷/۲۹). این ادعا صحیح نیست؛ زیرا اگر منظور، جواز نظر به تمام بدن زن، آن هم به صورت عریان بود، باید به جای واژه «خلف»، تعبیر به «جسد» می شد. پس چیزی که از این حدیث فهمیده می شود، جواز نگاه کردن به اندام او از روی لباس است؛ زیرا از روی لباس بسیاری از ویژگی های زن مشخص می شود.

۵. یونس بن یعقوب می گوید که از امام صادق ع پرسیدم، آیا مردی که می خواهد با زنی ازدواج کند، مجاز است به او نگاه کند؟ ایشان فرمود: «نَعَمْ وَتُرْفِقُ لَهُ الْيَسَابَ لِأَنَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَشْتَرِيَهَا بِأَغْلَى الثَّمَنِ؛ آری و برایش لباس نازک بپوشد؛ زیرا وی به بالاترین قیمت، خریدار اوست».

(حرعاملی، ۱۴۰۹ هـ.ق. ۹۰/۲۰)

با توجه به این روایات، نظر به مو، معصم، محاسن زن و نیز اندام وی از روی لباس جایز است و نظریه اول که جواز نظر را منحصر در وجه و کفین تا میچ می دانند، باطل است.

۶. محمد بن مسلم می گوید:

سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَنِ الرَّجُلِ يُرِيدُ أَنْ يَتَزَوَّجَ الْمَرْأَةَ أَيَنْظُرُ إِلَيْهَا قَالَ نَعَمْ إِنَّمَا يَشْتَرِيهَا بِأَغْلَى الثَّمَنِ.

از امام باقر ع پرسیدم: «آیا مردی که قصد ازدواج با زنی را دارد، می تواند به او نگاه کند؟» امام فرمود: «آری! همانا مرد به بالاترین قیمت خریدار اوست». (حرعاملی، ۱۴۰۹ هـ.ق. ۸۸/۲۰)

گرچه این روایت، اطلاق در جواز نگاه به تمام اندام زن دارد، با توجه به احادیث دیگر، اطلاق آن از اندامی مانند عورت که جزو محاسن نمی باشد، انصراف دارد و نمی توان از پاسخ مثبت امام، نامحدود بودن دایره حکم جواز را استفاده کرد، اما شمولش نسبت به محاسن بدون اشکال است.

عمل به اطلاق این روایت، از سویی مخالف با اصل عفاف و آن چیزی است که در عرف رایج است و از دیگر سو، باعث ضایع شدن حقوق زن می شود. ضمن آنکه با غیرت عمومی

جامعه در تضاد است. زنی که بدن عریان او توسط خواستگار دیده شود و در فرض، ازدواج میان آنها محقق نشده باشد، دیگر بار مورد توجه کدام مرد واقع خواهد شد؟ بنابراین به حکم عقل و فهم عرفی، نگاه به تمام اندام زن مورد نظر، از اطلاق روایت منصرف است و باید دانست چنانکه تعبیر به «خلف» موهم آن است، نظر به عورت حتی از روی لباس نیز، فاقد مشروعیت است و این نکته از محل فتاوی و نصوص خارج است.

شیخ انصاری در کتاب *النکاح* پس از ذکر این روایت چنین می‌گوید:

هر چند اطلاق روایت، نظر به غیر وجه و کفین را تجویز کرده، اما در عرف، متبادر از نگاه کردن به زن، نظر به وجه و کفین است؛ زیرا غالباً این دو پوشیده نیستند و بقیه اعضا، غالباً با لباس مستور است. (انصاری، ۱۴۱۵ هـ.ق، ۳۹)

به نظر می‌رسد این استدلال، کامل نیست؛ زیرا تبادر و عدم تبادر، امری وجدانی است و ضابطه خاصی ندارد. از این رو، زیاد اتفاق افتاده که دو فقیه، ادعای تبادر دو مطلب متضاد یا متفاوت را دارند. بنابراین، چه بسا کسی ادعای عدم تبادر معنای نظر شیخ را داشته باشد و حدیث را با اطلاق که دارد و به قرینه سایر احادیث، شامل مو و محاسن زن (و نه همه بدن او) بداند. در هر صورت، این روایت اطلاق دارد و اگر این احتمالات موجب ابهام در آن بشود، به ضمیمه سایر روایات می‌تواند مثبت جواز نگاه به غیر وجه و صورت مو و محاسن باشد. به عبارت دیگر، با توجه به سایر روایات که نگاه به مو، محاسن و معصم زن و نیز اندام او را از روی لباس جایز دانسته‌اند، اطلاق این حدیث هم محدود و منحصر به همین موارد می‌شود.

۳-۴. نظریه سوم

گروهی از فقیهان نظر به تمام بدن زن را بدون ساتر و پوشش جایز می‌دانند. در جواهر نگاه به صورت و دست‌های چنین زنی را مورد اتفاق همه مسلمانان می‌داند و بعد از ذکر روایات می‌گوید: «برای فقیهی که خداوند چشم بصیرت به او داده است، چارهای نیست جز اینکه قایل به جواز نگاه به تمام بدن زن شود». (نجفی، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۶۷/۲۹) صاحب حدائق نیز با تمسک به ظاهر روایات، این نظریه را پذیرفته است. (بحرانی، ۱۴۰۵ هـ.ق، ۴۶/۲۳) سید یزدی می‌گوید:

برای کسی که قصد ازدواج با زنی را دارد، جایز است که به وجه و کفین، مو و محاسن

او نگاه کند. بلکه بعید نیست که نگاه کردن به قسمت‌های دیگر بدن به جز عورت جایز باشد، هر چند احتیاط خلاف آن است. (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹ هـ.ق، ۴۹۱/۵)

از فقهای معاصر، شیخ عبدالکریم حائری، سیدحسین بروجردی و سیدمحمدرضا گلپایگانی همین دیدگاه را دارند و اکتفا بوجه و کفین را اقوی یا مطابق احتیاط دانسته‌اند. (ر.ک: احمدی، ۱۳۸۶). امام خمینی نیز این نظریه را پذیرفته است. ایشان می‌گوید: «اقوی جواز نظر به مچها و سایر اعضای بدن به جز عورت می‌باشد و نزدیک‌تر به احتیاط این است که از روی لباس نازک نگاه کند». (موسوی خمینی، بی تا، ۲/۲۴۵)

آیت‌الله خامنه‌ای و آیت‌الله فاضل نیز معتقدند که مرد می‌تواند به بدن دختر نگاه کند، هر چند احتیاط مستحب این است که فقط به دست و صورت و پاها مو و مقداری از بدن مانند گردن و بالای سینه اکتفا کند. آیت‌الله نوری که قایل به این قول است، می‌گوید: «مرد می‌تواند به دست و صورت، پاها، مو و مقداری از بدن مانند گردن و بالای سینه زن نگاه کند و اگر نتواند از خصوصیات سایر بدن، از روی لباس آگاهی یابد، نگاه به تمام بدن جایز است». (ر.ک: احمدی، ۱۳۸۶).

با توجه مطالبی که در تبیین قول دوم گفته شد، این دیدگاه نمی‌تواند مورد پذیرش واقع شود؛ زیرا در برخی روایات، جواز نظر به زن مخطوبه محدود به وجه و کفین، معاصم و محاسن و نگاه به بدن از روی لباس شده است و بر اساس قاعده حمل مطلق بر مقید، احادیث مطلق نیز حمل بر این موارد می‌شوند؛ ضمن آنکه این محدودیت، مطابق با احتیاط است، به‌ویژه اینکه دلیل روشن و بدون خدشه‌ای بر جواز نگاه به همه بدن به غیر از عورت در دست نیست. از سوی دیگر، چنین موضوعی هم با عرض و ناموس مردم مرتبط است و هم با عفاف عمومی جامعه و شریعت، اهمیت زیادی برای آنها در نظر گرفته است. بنابراین، قول دوم مطابقت بیشتری با قواعد و اصول شرعی دارد و عرف رایج هم برای دیدن تا این حد مشکلی نمی‌بیند.

بر این اساس، با توجه به مجموع روایات مرتبط با بحث، به دلیل اهمیت موضوع ازدواج و برای کمک به استحکام خانواده، اجازه نگاه به وجه و کفین، مو و محاسن مخطوبه داده شده است. از سوی دیگر، به سبب نداشتن دلیل بر تعمیم آن به سایر نقاط بدن، راهی جز

رد قول اول و سوم و پذیرش قول دوم نمی‌ماند. قول نخست، نه از احادیث و ادله فهمیده می‌شود، و نه تأمین‌کننده غرض حکیمانه شارع از تجویز نگاه است. احتمال غرر و در نتیجه، بیثباتی ازدواج نیز در آن می‌رود.

قول سوم نیز از سویی دلیل ندارد و دلیل نداشتن، خود، بهترین دلیل بر عدم صحت این قول است. از سوی دیگر، دلیل برخلاف آن وجود دارد. همچنین اگر دلالت این احادیث بر معنایی مخالف قول سوم پذیرفته نشود، نسبت به جواز یا حرمت نگاه به همه بدن، شک حاصل می‌شود و چون حکم اولیه نگاه به زن بیگانه، حرمت است، همان حکم حرمت، استصحاب خواهد شد. دلیل دیگر در رد قول سوم اینکه جواز نگاه به تمام بدن، مخالف احتیاط به ویژه در عرض و ناموس است. نتیجه اینکه تنافی قول سوم با روح دیانت و حقوق زن، متضاد بودن آن با غیرت عمومی جامعه و در پی داشتن احتمالی ترویج تسامح در اخلاقیات جامعه می‌تواند مؤیدی بر کامل نبودن دیدگاه سوم باشد. شاید به این دلیل است که طرفداران قول سوم، دیدگاه خود را مخالف با احتیاط دانسته‌اند.

در هر صورت، وقتی معلوم شد که هدف از جواز نگاه، رفع جهالت برای جلوگیری از ضرر و غرر است، برای رسیدن به این هدف، دیدن وجه و کفین و محاسن زن کفایت می‌کند. شاهد بر مطلب آن است که از گذشته تا کنون، بیشتر ازدواج‌ها فقط با نگاه به وجه و کفین و حداکثر محاسن و موی زن رخ داده و موفق هم بوده‌اند. بنابراین، اگر این مقدار دیدن در رفع جهالت کافی نباشد، باید همه این ازدواج‌ها یا بیشتر آنها با مشکل مواجه شده باشد. پس وقتی به حکم تجربه، همین مقدار مشاهده در رفع جهالت و در نتیجه، موفقیت‌آمیز بودن ازدواج‌ها کافی بوده و در جواز دیدن بیش از آن نیز شک است، به حکم عقل و احتیاط باید ملتزم به قول دوم شد و آن را در رفع جهالت و غرر کافی دانست.

۵. شرایط جواز نگاه مرد به زن نامحرم

حاصل روایات دال بر جواز نگاه و فتاوی بیشتر فقیهان، این بود که حد جواز نگاه مرد به زنی که قصد ازدواج با او را دارد، فراتر از وجه و کفین است و می‌تواند در صورت نیاز تا حصول نتیجه، نگاهش را به زن تکرار نماید. این قسمت از فرمایش امام علیه السلام دلیل بر جواز تکرار

نگاه است: «انما هو مستام». (رک: کرکی، ۱۴۱۴ هـ.ق، ۲۹/۱۲) البته فقها جواز تکرار نظر را مشروط به این کرده‌اند که با یک بار نگاه کردن، از وضع او آگاه نشود. (نجفی، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۶۷/۲۹؛ موسوی خمینی، بی‌تا، ۲/۲۴۵) افزون بر آن، برای نگاه نیازی به اجازه و رضایت دختر نیست؛ زیرا ادله جواز نگاه، مطلق‌اند و نگاه را به‌طور کلی اجازه داده‌اند. بر همین اساس، فقیهان رضایت و اجازه دختر را شرط نکرده‌اند. گذشته از این، برخی بر این تصریح نموده‌اند که بهتر است نگاه بدون اطلاع و آگاهی زن صورت گیرد. از جمله آنها، محقق کرکی است که علت عدم نیاز به اذن زن را این می‌داند که چه بسا ممکن است زن خودش را زینت کند و عیوبش را بپوشاند. در نتیجه مقصود مرد از نظر حاصل نشود. (کرکی، ۱۴۱۴ هـ.ق، ۲۹/۱۲)

در مورد زمان نگاه، فقهای متأخر بین اینکه نگاه کردن قبل از خواستگاری باشد یا بعد از آن، تفاوتی ندیده‌اند، دلیل آن هم اطلاق روایات است، ولی برخی از متقدمان تفاوت قائل شده‌اند. علامه حلی، شهید ثانی و محقق کرکی معتقدند، بهتر است این نگاه، قبل از خواستگاری باشد؛ زیرا اگر بعد از خواستگاری انجام گیرد و مرد، قیافه زن را نپسندد و از ازدواج با او منصرف شود و او را ترک کند، برای زن سخت و دشوار خواهد بود. (حلی، ۱۳۸۸، ۵۷۳؛ جبعی عاملی، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۴۰/۷؛ کرکی، ۱۴۱۴ هـ.ق، ۲۷/۱۲) صاحب جواهر این قول را نمی‌پسندد و آن را اجتهاد در برابر نص قلمداد می‌کند و می‌گوید نصوص، از این تخصیص خالی است (نجفی، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۶۶/۲۹).

با این حال، جواز چنین نگاهی منوط به احراز خصوصیات و شرایطی است که فقهای شیعه آنها را در آثار خویش آورده‌اند. از جمله آنها موارد زیر است:

۱-۵. خالی بودن زن از موانع نکاح

باید ازدواج با آن زن در حال حاضر ممکن باشد. پس نگاه کردن به زن شوهردار و یا زن عده‌دار که امکان ازدواج با او فراهم نیست، جایز نمی‌باشد. (جبعی عاملی، ۱۴۱۳)

۲-۵. امکان اجابت درخواست مرد از سوی زن

مرد باید احتمال بدهد که زن، درخواست ازدواج او را می‌پذیرد، (نجفی، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۶۵/۲۹) ولی اگر بداند خواستگاری او را رد خواهد کرد، دیگر دلیلی برای حکم جواز نظر وجود ندارد.

۵-۳. احتمال افزایش بصیرت و آگاهی نسبت به زن با نگاه

برخی معتقدند که باید بر نگاه کردن، نیاز و فایده‌های مترتب باشد (حلی، ۱۳۸۸، ۵۷۳) و اگر نگاه کردن به زن، چیزی بر اطلاعات قبلی و آگاهی مرد نسبت به زن نمی‌افزاید، نگاه کردن جایز نیست. گرچه به تعبیر شهید ثانی، شرط خوبی است، با توجه به اطلاق روایات به نظر میرسد چنین شرطی لازم نیست (جعی عاملی، ۱۴۱۲ هـ.ق، ۶۷/۲).

۵-۴. نبودن ریبه و قصد تلذذ

برخی از فقها معتقدند که نگاه نباید توأم با ریبه و خوف از گناه (سبزواری، ۱۴۲۳ هـ.ق، ۸۳/۲) و یا به قصد تلذذ باشد، هر چند بداند با نگاه کردن، لذت قهری برای او حاصل می‌شود. (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۹ هـ.ق، ۴۹۲/۵) شهید ثانی در کتاب مسالک، نظر توأم با ریبه را جایز می‌داند. چنانکه گفته شد، ایشان تفاوت جواز نگاه به اجنبیه با جواز نگاه به کسی که قصد ازدواج با او را دارد، در این می‌داند که جواز نظر به اجنبیه مشروط به عدم خوف فتنه است، ولی وقتی قصد ازدواج در میان باشد، این شرط وجود ندارد. (جعی عاملی، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۴۲/۷) وی (۱۴۱۲ هـ.ق، ۶۷/۲) در روضه البهیة عدم ریبه و تلذذ را شرط جواز نگاه دانسته است. شهید مطهری در این باره می‌گوید: «آنچه که قطعاً حرام است، نگاه به قصد تلذذ است و آنچه که مانعی ندارد، این است که نگاه به قصد لذت نباشد، ولی تلذذ قهراً پیدا شود» (مطهری، ۱۳۸۶، ۱۶۷).

در مقابل، برخی دیگر از فقها، نظر توأم با لذت را برای مرد خواستگار جایز می‌دانند. شیخ مفید که از آن جمله است، می‌گوید: «نگاه به چهره زن بیگانه به قصد لذت حلال نیست، مگر آنکه بخواهد او را به عقد خویش در بیاورد». (مفید، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۵۲۱) صاحب جواهر نیز اشتراط عدم تلذذ را به دلیل اطلاق ادله مشروعیت نظر و موجب عسر و مشقت بودن چنین تکلیفی و تنافی داشتن با حکمت حکم مزبور، نپذیرفته است (نجفی، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۶۵/۲۹).

باید گفت آنچه که در شرع مجاز شمرده شده، نگاهی است که به قصد و انگیزه ازدواج و انتخاب همسر صورت گیرد و چنین نگاهی غیر از نگاه برای لذت طلبی است که برای شهوت رانی صورت می‌گیرد. به نظر می‌رسد مراد شیخ مفید و صاحب جواهر هم همین باشد؛ به این معنا که آنان نیز انگیزه نگاه را ازدواج می‌دانند نه لذت جویی، ولی چون به طور معمول همراه این نگاه، لذت نیز حاصل می‌شود، چنین گفته‌اند. در هر صورت، نباید قصد

اولیه مرد از نگاهش به زن، تلذذ باشد، هرچند نتیجه‌اش تلذذ باشد.

۵-۵. نگاه به انگیزه و قصد ازدواج با زنی خاص

برخی از فقها مثل محقق کرکی اعتقاد دارند قصد ازدواج با یک زن باعث نگاه کردن به زن شود، نه اینکه نگاه او به انگیزه تصمیم بر ازدواج شود. (کرکی، ۱۴۱۴ ه.ق، ۲۷/۱۲) شهید ثانی این قول را نیکو نمی‌داند و معتقد است مهم، قصد ازدواج قبل از نگاه است و انگیزه هرچه می‌خواهد باشد (جبعی عاملی، ۱۴۱۲ ه.ق، ۶۷/۲). در پاسخ باید گفت که مستفاد از روایاتی که در مورد جواز نگاه وارد شده‌اند، شارع مقدس آن نگاهی را تجویز کرده است که به قصد و انگیزه ازدواج باشد، نه اینکه به هر قصد و انگیزه‌ای به زن نگاه کند، شاید قصد ازدواج برایش پیش آید. چگونه می‌توان این دو موضوع را با هم جمع کرد که کسی قصد ازدواج داشته باشد، ولی به انگیزه دیگری مثل تلذذ به زن نگاه کند و آن نگاه هم جایز باشد.

کسی که قصد ازدواج دارد، از دو حال خارج نیست؛ یا اراده اصل ازدواج دارد بدون آنکه زنی را انتخاب کرده باشد، یا اینکه قصد ازدواج با زن خاصی را دارد. اگر قصد ازدواج با فرد مشخصی دارد، نگاهش به او فقط در صورتی جایز خواهد بود که به انگیزه ازدواج باشد و نمی‌توان پذیرفت که چون قصد ازدواج دارد، به هر انگیزه دیگری غیر از ازدواج هم مجاز به نگاه به آن نامحرم است. همه روایات مجازکننده نگاه، بدون استثنا روی قصد و انگیزه ازدواج تأکید کرده و با این فرض، بحث داشته‌اند. وقتی مردی نیت و انگیزه ازدواج با زنی را ندارد و به او نگاه می‌کند، نگاه او حکم نگاه به زن بیگانه در شرایط غیر ازدواج خواهد داشت و فقط یک بار بدون خوف از وقوع در گناه و قصد تلذذ مجاز به نظر است.

اگر هم قصد کلی ازدواج بدون تعیین فردی خاص دارد، نه به انگیزه ازدواج و نه هر انگیزه دیگری نظر به زنان مختلف برای رسیدن به مرحله انتخاب جایز نخواهد بود؛ زیرا آنچه در روایات، موضوع پرسش و پاسخ می‌باشد، مردی است که به ازدواج با زن خاصی تصمیم گرفته و می‌خواهد برای گرفتن تصمیم نهایی به او نگاه کند.

به این تعابیر باید توجه کرد: «الرجل یرید أن یتزوج المرأة أن ینظر الیها»، «فی رجل ینظر الی محاسن المرأة یرید أن یتزوجها»، و «الرجل یرید أن یتزوج المرأة یتأملها و ینظر الی خلفها و الی وجهها». این پرسش‌ها گویای آن است که مرد، زن خاصی را در نظر دارد و قصد جدی به ازدواج با او دارد و فقط

برای ازدواج می‌خواهد آن زن را ببیند. از این رو همان‌گونه که شهید مطهری بیان کرده است، فقها تصریح کرده‌اند که جایز نیست کسی به زن‌ها نگاه کند تا در بین آنها یکی را انتخاب کند. آنچه جایز است، در مورد یک زن خاص است که مرد از سایر جهات او را پسندیده و فقط از نظر چهره و اندام تردید دارد. (مطهری، ۱۳۸۶)

صاحب‌جواهر می‌گوید:

اولی، جواز نظر به کسی است که قصد ازدواج با خود او را دارد و صرف قصد ازدواج داشتن کافی نیست، حتی اگر این احتمال را بدهد که بعد از نگاه کردن، تصمیم به ازدواج با زنی را می‌گیرد. (نجفی، ۱۴۰۴، ق، ۶۶/۲۹)

امام خمینی علیه‌السلام نیز این شرط را در قالب احتیاط بیان کرده است:

اگر نگوئیم اقوی، احتیاط این است که تنها به زنی نگاه کند که قصد ازدواج با او را دارد. پس حکم جواز نظر شامل آنجایی که مطلق ازدواج را قصد کرده و می‌خواهد یکی را از بین چند نفر زن انتخاب کند، نمی‌شود. (موسوی خمینی، بی‌تا، ۲/۲۴۵)

در استفتائات مراجع نیز به این نکته توجه و تأکید شده است. مکارم شیرازی (جمعی از علما، ۱۳۸۶) می‌گوید: «اگر صحبت‌های اولیه انجام شده و قصد ازدواج، جدی است، زن می‌تواند برای لحظاتی به مقدار لازم بدون حجاب در برابر خواستگار ظاهر شود» و همچنین معتقد است: «نگاه به زن مورد نظر با لباس نازک، در صورتی مجاز است که طرفین بر مسایل دیگر ازدواج توافق کرده باشند». بنابراین، با توجه به اهمیت و ارزش عفاف و نیز حساسیتی که روی این نگاه و رعایت حدود و شرایط آن وجود دارد و با توجه به نوع تعابیر مطرح شده در روایات، می‌توان گفت شارع در صورتی چنین نگاهی را جایز شمرده است که مرد پس از احراز شرایط و ضوابط پیش‌گفته، قبل از اینکه زن مورد نظر را ببیند، باید از جهات دیگر، از جمله اصالت و شأن خانوادگی، اعتقادات و ارزش‌های مورد نظر طرف مقابل و میزان تحصیلات، زن را پسندیده و تصمیم به ازدواج با او گرفته باشد و فقط مرحله پسندیدن خصوصیات جسمی او باقی مانده باشد. از اینجا می‌توان نکته مهم دیگری را هم استنتاج نمود و آن این است که اگر مردی تحقیقات اولیه را انجام نداده باشد و سایر ویژگی‌های زن غیر از وضعیت جسمی او را پسندیده باشد، مجاز نخواهد بود به قصد ازدواج نیز به او نگاه کند.

۶. نتیجه

از مجموع مباحث مطروحه این نتایج به دست آمد:

۱. با توجه به روایات فراوان و نیز به حکم اجماع، عقل و عرف، نگاه به طرف مورد نظر به قصد ازدواج، جایز و بلکه مستحب است.

۲. حکمت جواز و یا استحباب نگاه، افزون بر پرداخت مهریه از طرف مرد و جلوگیری از غرر مادی و معنوی او، ایجاد علاقه و محبت بین زن و شوهر و کمک به انجام ازدواجی آگاهانه برای پیشگیری از اختلافات خانوادگی و در نتیجه استحکام بیشتر نهاد خانواده است.

۳. محدوده نگاه به قصد ازدواج، چیزی فراتر از نظر به وجه و کفین است. مردی که قصد ازدواج دارد، می‌تواند افزون بر وجه و کفین، به مو و محاسن زن و حتی بدن او از روی لباس نگاه کند.

۴. تکرار نگاه به قصد ازدواج برای آگاهی یافتن از وضعیت جسمانی طرف مقابل جایز است و در آن نیازی به اجازه و رضایت دختر نیست؛ خواه قبل از خواستگاری صورت پذیرد یا بعد از آن.

۵. جواز چنین نگاهی منوط به احراز خصوصیات و شرایطی است؛ از جمله خالی بودن زن از موانع نکاح، امکان اجابت درخواست مرد از سوی زن و نبودن ربه و قصد تلذذ در آن. البته نگاه به قصد لذت نباشد ولی تلذذ قهراً پیدا شود، اشکالی ندارد.

۶. نگاه باید به انگیزه و قصد ازدواج با یک زن خاص باشد که مرد سایر ویژگی‌های او را پسندیده و فقط از نظر چهره و اندام، تردید دارد و مجاز نیست که برای انتخاب همسر دلخواه به زنان متعدد نگاه کند، هر چند قصد کلی ازدواج داشته باشد. چنین نگاهی حکم نگاه به زن بیگانه را خواهد داشت.

۷. جواز نگاه به قصد ازدواج به مواضع مجاز فرد خاص، مشروط به این است که بعد از انجام تحقیقات مقدماتی، پسندیدن او از سایر جهات و قطعی شدن تصمیمش بر ازدواج با او باشد. مرد نمی‌تواند قبل از تحقیق و انتخاب سایر شرایط و خصوصیات زن مورد نظر، به وی نگاه کند.

فهرست منابع

* قرآن کریم، ترجمه آیت الله ناصر مکارم شیرازی.

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ هـ.ق). لسان العرب. بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
۲. احمدی، محمد رضا (۱۳۸۶). روابط دختر و پسر. قم: دفتر نشر معارف.
۳. انصاری، مرتضی (۱۴۱۵ هـ.ق). کتاب النکاح. قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
۴. بحرانی، یوسف بن احمد (۱۴۰۵ هـ.ق). الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة. قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
۵. جبعی عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی (۱۴۱۲ هـ.ق). الروضة البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
۶. جبعی عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی (۱۴۱۳ هـ.ق). مسالک الافهام إلى تنقیح شرایع الاسلام. قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
۷. جمعی از مراجع (۱۳۸۶). توضیح المسائل مراجع. تهیه و تنظیم: بنی هاشمی خمینی، محمد حسن. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۸. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ هـ.ق). تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه. قم: مؤسسه آل البيت.
۹. حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ هـ.ق). شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۱۰. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۲۰ هـ.ق). تحریر الأحکام الشریعیة علی مذهب الإمامیه. تحقیق بهادری، ابراهیم. قم: مؤسسه امام صادق.
۱۱. حلی، حسن بن یوسف (۱۳۸۸). تذکره الفقهاء. قم: مؤسسه آل البيت.
۱۲. حلی، حسن بن یوسف (۱۳۸۷ هـ.ق). ایضاح الفوائد فی شرح مشکلات القواعد. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۱۳. خویی، ابوالقاسم موسوی (۱۴۱۵ هـ.ق). موسوعه الامام الخویی. قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخویی.
۱۴. سبزواری (محقق)، ملا محمد باقر (۱۴۲۳ هـ.ق). کفایة الاحکام. قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
۱۵. سیوری حلی، مقداد بن عبدالله (۱۴۲۵). کنز العرفان فی فقه القرآن. قم: انتشارات مرتضوی.
۱۶. طباطبایی، علی بن محمد (۱۴۱۸ هـ.ق). ریاض المسائل. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۱۷. طباطبایی، محمد حسین (۱۴۱۷ هـ.ق). المیزان. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۸. طریحی، فخرالدین (۱۴۱۶ هـ.ق). مجمع البحرین. تصحیح: حسینی، احمد. تهران: کتابفروشی مرتضوی.
۱۹. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ هـ.ق). الخلاف. قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
۲۰. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۰ هـ.ق). النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی. بیروت: دار الکتب العربی.
۲۱. عاملی، محمد بن مکی (۱۴۱۰ هـ.ق). اللمعة الدمشقیة فی فقه الإمامیه. تصحیح: مروارید، محمد تقی... و مروارید، علی اصغر. بیروت: دار التراث.
۲۲. کرکی، علی بن حسین عاملی (۱۴۱۴ هـ.ق). جامع المقاصد فی شرح القواعد. قم: مؤسسه آل البيت.
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۴. مطهری، مرتضی (۱۳۸۶). مسئله حجاب. بی جا: انتشارات صدرا.
۲۵. مطهری، مرتضی (۱۳۷۸). نظام حقوق زن در اسلام. بی جا: انتشارات صدرا.
۲۶. مفید، محمد بن نعمان (۱۴۱۳ هـ.ق). المقنعه. قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
۲۷. موسوی خمینی، روح الله (بی تا). تحریر الوسیله. قم: مؤسسه مطبوعات دار العلم.
۲۸. نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴ هـ.ق). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۹. طباطبایی یزدی، محمد کاظم (۱۴۱۹ هـ.ق). العروة الوثقی فیما تعم به البلوی. قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.



پروہشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی